

283-87
۲۸۳-۸۷

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 283

Date of filing: MAY 1984

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award _____
_____ pages in English 22 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

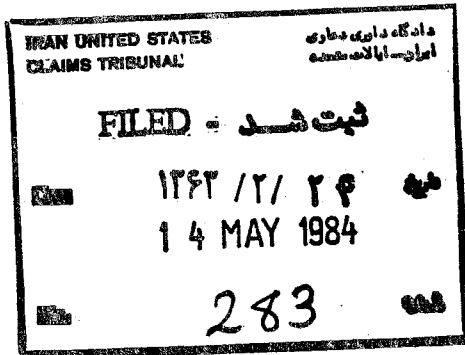
** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۲۸۳

شعبه

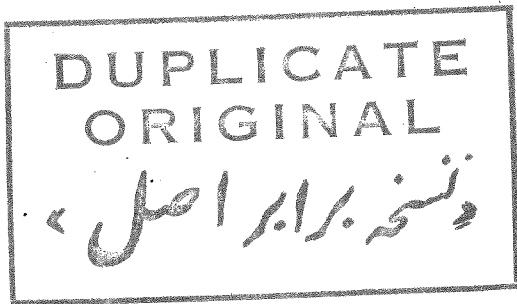
حکم شماره ۳ - ۲۸۳ - ۱۲۳



جنرال داینا میکس کورپوریشن، و
جنرال داینا میکس اینترنشنال کورپوریشن،
خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،
دولت جمهوری اسلامی ایران، و
نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران،
خوانندگان.



حکم

حاضران:

از جانب خواهان: آقای دیوید ای. مک گیفرت،

خانم لوسیندا ا. لسو،

وکلائی خواهان.

آقای اندرو دی. رز

نماینده خواهانها

از جانب خواننده: آقای محمدکریم اشراق

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،

دکتر محمد خاور،

خانم افتخار السادات میروهابی،

مشاوران حقوقی نماینده رابط

آقای محمد علی شاملو

وکیل نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران

آقای محمد بهرامی

نماینده وزارت دفاع

آقای ل. اویسی

آقای ه. درخشان

نماینده نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران

خانم جیمیسون سلبی

همچنین:

قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

اول - جریان رسیدگی

خواهانها، جنرال داینا میکس کورپوریشن ("جنرال داینا میکس") و جنرال داینا میکس اینترنشنال کورپوریشن ("جنرال داینا میکس اینترنشنال") دادخواست خود را در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۵ دیماه ۱۳۶۰) به ثبت رساندند. جنرال داینا میکس میالفسی مطالبه کرده است که حسب ادعا، طبق قرارداد منعقد در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۴ / ۲۱ فروردینماه ۱۳۵۳ ("قرارداد آرتمیز") و قرارداد منعقد در ۱۴ اکتبر ۱۹۷۶ / ۲۲ مهرماه ۱۳۵۵ ("قرارداد تسهیلات اردنانی") واجب الادا بوده است. جنرال داینا میکس اینتر- نشنال استرداد هزینه های متحمل جهت وصول طلبهای ادعائی جنرال داینا میکس را مطالبه کرده است.

در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۸۲ (۳۱ فروردینماه ۱۳۶۱) خواننده، نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران ("نیروی دریائی") لایحه دفاعیه خود را به ثبت رساند. در ۸ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۷ آبانماه ۱۳۶۱)، نیروی دریائی دادخواست متقابلی، ناشی از قرارداد مورخ ۴ فوریه ۱۹۷۶ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۴) ثبت ضمن آن پرداخت خسارات و استرداد برخی تجهیزات را مطالبه کرد. خوانندگان، جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران لایحه دفاعیه ای ثبت نکرده اند.

جلسه استماع مقدماتی در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۰ آبانماه ۱۳۶۱) برگزار گردید.

دیوان داوری، طی دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۹ آذرماه ۱۳۶۱) خود، اعلام کرد که تحت شرایط و اوضاع و احوال پیرونده حاضر دلایل کافی جهت توجیه تاخیری که در ثبت دادخواست متقابل مورخ ۸ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۷ آبانماه ۱۳۶۱) روی داده در دست نیست و تصمیم خود را دایر بر عدم پذیرش ادعای متقابل اعلام داشت.

خواهانها در تاریخ اول مارس ۱۹۸۳ (۱۰ اسفندماه ۱۳۶۱) مدارک و مطالب جدیدی ارائه نمودند. نیروی دریائی در ۱۵ مارس ۱۹۸۳ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۱) تکمله ای بر لایحه دفاعیه همراه با ادله و مدارک تسلیم کرد. تکمله مزبور شامل ادعای متقابلی بود که طی آن نیروی دریائی استرداد مبلغ پرداخت شده طبق قرارداد تسهیلات اردنانی را مطالبه می کرد.

استماع پرونده در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۸۳ (۳۱ فروردینماه ۱۳۶۲) برگزار شد، نیروی دریائی بدستوردیوان، لایحه پس از استماعی رادر ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۹ تیرماه ۱۳۶۲)، خواهانها چنین لایحه ای رادر ۲۵ اوت ۱۹۸۳ (۳ شهریورماه ۱۳۶۲)، به ثبت رساندند. خواهانها در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۳ (۲۴ شهریورماه ۱۳۶۲) صورتی حاوی هزینه ها، ثبت نمودند.

دوم - صلاحیت رسیدگی به ادعاها

خواهانها، مدارکی ارائه کرده اند شامل گواهی نامه های مربوط به وضعیت و شهرت شرکت، مستخرجاتی از اسناد شرکت و سوگندنامه یکی از مقامات جنرال داینا میکس، که مجموعاً "حکایت از آن دارند که خواهانها در طول اوقات مربوط شرکتها بی بوده و هستند که طبق قوانین ایالات متحده تشکیل یافته اند. مدارک همچنین حاکی است که کلیه سهام جنرال داینا میکس اینترنشنال کورپوریشن در طول اوقات ذیربط متعلق به جنرال داینا میکس بوده و بیش از ۵۰ درصدیها م شرکت اخیرالذکر، در طول مدت های مربوط متعلق به اشخاص حقیقی شهروندان ایالات متحده بوده، هست. براساس ادله و مدارک مزبور در نتیجه هرگونه مدارک معارض، دیوان داوری چنین نتیجه می گیرد که ادعاها همگی از آن اتباع ایالات متحده در مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیته حل و فصل دعاوی، است.

نیروی دریائی به دلیل اینکه هر دو قرارداد ذیربط در ایران منعقد شده، و خوانندگان تابعیت ایران را دارند و دو قرارداد مذکور شامل شرایط حل اختلافی است که مشمول قیود استثنای مرجع رسیدگی بند ۱ ماده دو بیانیته حل و فصل دعاوی می باشد، بر صلاحیت دیوان نسبت به ادعاها ی جنرال داینا میکس ایراد گرفته است.

بند ۱ ماده دو بیانیته حل و فصل دعاوی دیوان داوری را، از جمله، به "منظوراً تخلف تصمیم درباره ادعاها ی ناشیه از دیوان، قراردادها ... " به استثنای " ادعاها ی ناشی از قرارداد های تعهد آور فیما بین که در آن قراردادها مشخصاً " رسیدگی به ادعاها ی مربوطه در صلاحیت انحصاری دادگاه های مالجه ایران ... باشد"، تاسیسی نموده است.

ماده ۱۵ قرارداد آرت میز در قسمت مربوط چنین مقرر می دارد:

کلیه اختلافات ناشیه در رابطه با قرارداد حاضر نهایتاً " با رجوع به داوری حل و فصل خواهد شد. جریان داوری، در لندن، انگلستان، و طبق قواعد اتاق بین المللی بازرگانی برگزار خواهد شد.

ماده ۱۰ قرارداد تسهیلات اردنانس عملاً" مشابه این شرط است.

این شرایط به روشنی مقرر نمی دارند که اختلافات ناشی از احاد قراردادها منحصراً " در صلاحیت دادگاه های ایرانست. علیهذا، ادعای ناشی از قرارداد های مذکور، به موجب قیود استثنای مرجع رسیدگی بند ۱ ماده دو، از صلاحیت دیوان مستثنی نشده است. رجوع شوده: استون اندوبستراورسیزگروپ اینکورپوریتد و شرکت ملی پتروشیمی و سایرین قرار اعدادی شماره FT - 293 - 8 (قسمت سوم).

بیانیه حل و فصل دعاوی شامل هیچ شرطی نیست که اقامه ادعا بر مبنای محل انعقاد یا اجرای قرارداد را منع کند. بیانیه، طرح ادعا علیه واحدهای تحت کنترل دولت ایران را صریحاً " مجاز شمرده است. بنابراین، مابقی ایرادات نیروی دریائی نسبت به صلاحیت مردودی باشد. رجوع شوده: جورج دبلیو دراکر و شرکت معا مسیلات خارجی و سایرین، قرار اعدادی شماره FT - 121 - 4 (قسمت چهارم).

در این اختلافی نیست که مفهوم "ایران" در ذیل بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی شامل خواندگان می شود. همچنین روشن است که ادعای خواهانها از قراردادها یا دیون ناشی شده است.

بنابراین، دیوان داوری چنین نتیجه می گیرد که نسبت به ادعاها دارای صلاحیت است.

سوم - ادعای ناشی از قرارداد آرتمییز

۱ - شرح ماوقع

در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۴ (۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۳) خواهان، جنرال دابینا میکس و دولت ایران، از طریق نیروی دریائی شاهنشاهی، سلف خواننده، نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران، قرارداد آرتمییز را جهت فروش و نصب سیستم سلاحهای موشکی روی نبردناو ایرانی

آرتمیز، منعقد ساختند. جنرال داینا میکس متعهد شد تجهیزات لازم را تولید و تحویل جهت نصب آن، کمک فنی به نیروی دریائی، ارائه نماید. کار نصب قرار بود توسط پرسنل نیروی دریائی در کارخانه کشتی سازی آن در بندر بوشهر، ایران، انجام پذیرد. در قرارداد قیمت ثابتی برای خدمات خواهان و نیز برنام زمانی که طبق آن اقساط قیمت خرید می بایست پرداخت شود، تعیین شده بود.

عبارت متن اصلی قرارداد طی پیوست دال (D) که ضمیمه آن است، و طبق مفاد خود، "جزو قرارداد تلقی" می شود، اصلاح گردید. ماده ۱ - ۴ قرارداد به شرح اصلاح مندرج در پیوست دال، به شرح زیر مقرر می دارد:

تحویل تجهیزات بر اساس (فوب) در بندر یا رگیری، لوس آنجلس، کالیفرنیا، با کشتی های معین خارجی بوده و بایدهنگام تحویل، توسط فروشنده بسته بندی و علامت "حمل برای تجارت خارجی" روی آن قید شود. مشروط بر آنکه، فروشنده به حساب خریدار حمل و نقل و بیمه تجهیزات را که برای خریدار قابل قبول باشد، فراهم نموده و ترتیب حمل از لوس آنجلس، کالیفرنیا به بندر عباس، ایران را بدهد. خریدار، علاوه بر کل قیمت مذکور در فوق هزینه هائی را که فروشنده جهت ترتیب دادن حمل و نقل و بیمه عملاً متحمل شده باشد، به مجرد دریافت صورت حساب فروشنده، جبران خواهد کرد.

در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۴ (۳ مهر ماه ۱۳۵۳) طرفین اصلاحیه اول قرارداد آرتمیز را منعقد ساختند. طبق بند ۳ (ج) این اصلاحیه، وظایف و مسئولیتهای خواهان در قسمت مربوط به شرح زیر توسعه پیدا کرد:

۳ - به موجب این اصلاحیه کارهای اضافی زیر مجاز شناخته می شود:

.....

ج - فروشنده مواد خام جهت تغییرات در کشتی را تهیه خواهد کرد، یعنی، وسایل برقی، سخت افزار دریائی و ابزار صنعتی مورد نیاز کسبه در بندر بوشهر موجود نباشد.

قرار شد حق الزحمه این کارها و کارهای دیگر موصوف در بند ۳، طبق بند ۴ اصلاحیه مذکور به شرح زیر پرداخت شود:

۴ - در نتیجه تغییرات و اصلاحات مذکور در فوق، قیمت قرارداد، به میزان ۱،۷۷۱،۳۰۳ دلار افزایش داده می‌شود. قیمت مزبور شامل ۷۰۰،۰۰۰ دلار بابت مواد خواسته شده در بند ج ماده ۳ به‌لأست. فروشنده بابت کل قیمت مواد که شامل هزینه مواد فروشنده، اجرائی مواد، پشتیبانی پروژه بسته‌بندی، کرایه حمل، بیمه، هزینه‌های ثابت و سود است، یکجا صورت حساب خواهد فرستاد. قیمت کل قرارداد به نسبت تفاوت بین کل مبلغ صورت حساب یا صورت حسابها بابت بند ج بالا و رقم ۷۰۰،۰۰۰ دلار که در قراردادها ضرباً بابت اینگونه مواد در نظر گرفته شده، تعدیل می‌یابد.

امکان افزایش با زهم بیشتر وظایف و مسئولیتهای خواهان در بند ۶ اصلاحیه اول، به شرح زیر پیش بینی شده بود:

ب - تصدیق می‌شود که رویدادی پیش بینی نشده می‌تواند نیاز به مواد و مصالحی در کارخانه کشتی سازی ویسا نیاز به خدمات فنی جدیدی را بوجود آورد، در صورت وقوع چنین حادثه‌ای فروشنده مراتب را به آگاهی نیروی دریائی ایران خواهد رساند و قصد فروشنده اینست که بیشترین کوشش خود را بکاربرد تا نیروی دریائی ایران را در تامین مواد و مصالح و/یا خدمات فنی مزبور و نیز خدمات لازمی یاری دهد که بعنوان نیازهای فروشنده گان و خریداران تصریح نشده‌اند، نیازهایی که تا همین آنها بایست تحت عنوان تغییر قرارداد به تصویب نیروی دریائی برسد.

نخستین سلسله رویدادهائی که اختلاف بین طرفین از آن ناشی شده پاره‌ای هزینه‌های حمل مربوط می‌شد. سیستم تجهیزات موشکی که قرار بود در نبردناو "آرتمیز" تعبیه شود تا ماه مارس ۱۹۷۵ تولید گردیده و آماده حمل بود. خواهان، طی تلکس مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۵ (۶ فروردینماه ۱۳۵۴) به نیروی دریائی خاطر نشان ساخت که طبق قرارداد "ما ملزم هستیم که حمل و نقل و بیمه قابل قبولی برای شما فراهم کنیم"، و اضافه کرد که حمل، حدوداً در ۱۸ آوریل ۱۹۷۵ (۲۹ فروردینماه ۱۳۵۴) توسط یک هواپیمای تجاری در بست کرایه شده، صورت خواهد گرفت. خواهان، همچنین اعلام نمود که "هزینه تخمینی حمل و بیمه تا بوشهر ۱۱۵،۰۰۰ دلار است" و در خواست تلکس چنین ذکر کرد:

لطفاً " در اسرع وقت ، ترجیحاً " تا ۳ آوریل ، باتلکس به ما اطلاع دهید که مراتب با لامورد قبول شما هست یا نه . چنانچه این شرایط مورد قبول شما نباشد ، لطفاً " شرایط خودتان را در تلکس ذکر فرمائید . به محض دریافت دستورات شما می توانیم ترتیبات لازم را به طور قطع به انجام رسانیم .

نیروی دریائی طی تلکس مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۷۵ (۲۶ فروردینماه ۱۳۵۴) دریافت تلکس خواهان را تصدیق و تقاضا کرد که تا " وصول پاسخ قطعی ، " اقدامات را به تاخیر اندازد . در ۱۶ آوریل ۱۹۷۵ (۲۷ فروردینماه ۱۳۵۴) نیروی دریائی تلکسی به خواهان مخابره و ضمن آن مجدداً " به تلکس مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۵ (۶ فروردینماه ۱۳۵۴) اشاره نموده و اعلام کرد که ترتیبات لازم جهت حمل تجهیزات توسط هواپیمای نظامی ایرانی ، به پوشهر ، داده شده است .

خواهان ، طی نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۵ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴) متذکر شد که هنوز خبری از ورود هواپیمای نظامی مورد بحث نیست و اینکه تا خیر بیشتر در حمل ، بر نامه کار نصب تجهیزات را مختل خواهد ساخت . خواهان تقاضا کرد که یا هواپیمای نظامی در دسترس گذاشته شود و " یا اینکه جنرال داینا میکس خود مجاز باشد که طبق پیام شماره ۰۸۹ مورخ ۷۵/۲۶/۳ ما " ترتیب حمل را با هواپیمای تجاری بدهد .

در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۷۵ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴) نیروی دریائی اجازه حمل (تجهیزات) توسط خواهان را داد . نیروی دریائی تقاضا نمود که " ترتیب حمل هوایی تجاری تجهیزات داده شود و صورت حسابها جهت پرداخت به نیروی دریائی ارسال گردد " .

بر همین اساس ، خواهان تجهیزات را با هواپیمای تجاری ارسال و در ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۵ (۸ مرداد ماه ۱۳۵۴) صورت حسابی به مبلغ ۱۲۰،۷۳۹/۸۷ دلار آمریکا بابت هزینه های متحمل جهت کرایه در بست هواپیما ، بارگیری تجهیزات ، اعزام مدیر قراردادش جهت همراهی محموله ، تهیه بیمه و استفاده از خدمات یک دلال گمرکی جهت تهیه اسناد و مدارک لازم ، تسلیم داشت .

نیروی دریائی طی نامه بدون تاریخ که در ماه اوت یا سپتامبر ۱۹۷۵ فرستاد ، کلیه اقلام مندرج را غیر از مبلغ ۱۹،۴۷۹/۷۰ دلار آمریکا بابت خرید بیمه و مبلغ ۶،۳۱۵/۴۳ دلار

امریکا بابت خدمات دلال گمرکی، تأیید و قول پرداخت آنها را داد. نیروی دریائی معتقد بود که خواهان "ملزم به خرید بیمه در مورد این محموله نبوده است" و اظهار می داشت که بیمه لازم نبوده، چرا که بر طبق ماده ۱ - ۴ قرارداد آرتمیز، ریسک تلف شدن محموله با تحویل آن به شرکت حمل و نقل در لوس آنجلس، به نیروی دریائی منتقل می شد. نیروی دریائی، همچنین عقیده دارد که خدمات دلال گمرکی ضروری نبوده، زیرا خواهان خود می توانسته کلیه خدمات مربوط به تهیه اسناد را انجام دهد. نیروی دریائی مبلغ این دو قلم از صورت حساب را نپرداخته است.

دومین سلسله رویدادهائی که باعث بروز اختلاف بین طرفین شد مربوط به بررسی پیش پرداختها بود که توسط خواهان بابت هزینه های کارگران پروژه تادیه شده بود. در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۴)، مدیر پروژه نیروی دریائی طی نامه ای به خواهان تقاضای زیر را مطرح ساخت:

به منظور تسریع در برنامه آرتمیز، ضروری است که وجوه لازم جهت تأمین مواد و مصالح مختلف و پشتیبانی در محل موجود باشد.

از شما تقاضا می نمایم که به موجب بند ۳ (ج) اصلاحیه اول قرارداد داد آرتمیز، و طبق بند ۴ اصلاحیه مذکور، مبلغ ۶,۰۰۰ دلار برای این منظور در تا سیسات بوشهر در دسترس قرار دهید.

خواهان در پاسخ، طی نامه مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۷۵ (اول تیر ماه ۱۳۵۴) موافقت کرد که پیش پرداختهای خواسته شده را پس از طی تشریفات بپردازد که به موجب آن مدیر پروژه می بایست فرمهای تأیید مشخصی را برای هر پیش پرداخت همراه با رسید، امضا نموده و مدارک موید مصرف هر مبلغ را، در دسترس قرار دهد.

این رویه در طول سال بعد در مورد خرید مواد و مصالح و باز پرداخت هزینه های کارکنان و پرداخت اضافه کاری کارگران پروژه به کار گرفته شد. در هر مورد، مدیر پروژه فرم تأیید لازم و رسید مدارک هزینه را ارسال می نمود. در مورد اضافه کاریها مدیر پروژه رسیده های امضا شده هر کارگر را که حاکی از پرداخت اضافه کاری بود، ارسال می داشت.

مبالغی که طبق این تشریفات بابت مواد و مصالح و حقوقها، پیش پرداخت شد، همراه با خریدهای مستقیم خواهان طبق قرارداد، بالغ بر ۸۶۹،۱۳۵ دلار آمریکا گردید که از آن مبلغ ۷۰۰،۰۰۰ دلار آمریکا، طبق بند ۴ اصلاحیه اول، قیمت قرارداد را تشکیل می داد. در ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۶ (۲۲ تیرماه ۱۳۵۵) خواهان صورتحسابی به تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۶ (۱۶ تیرماه ۱۳۵۵) تسلیم و ضمن آن پرداخت ۱۶۹،۱۳۵ دلار مابقی را طبق بند ۴ اخیرالذکر، خواستار شد.

نیروی دریائی در پاسخ اظهار داشت که آن بخش از مانده واجب الادا که معادل کل پیش پرداختها به میزان ۶۲،۳۷۳ دلار آمریکا بابت اضافه کاریهاست، حقا " مشمول بند ۶ اصلاحیه اول است. لهذا، نیروی دریائی تقاضا کرد که مانده واجب الادا در دو صورتحساب جداگانه اعلام شود.

خواهان این تقاضا را اجابت کرده و در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۶ (۲۸ مهرماه ۱۳۵۵) صورتحسابی بابت مبلغ ۱۰۶،۷۶۲ دلار آمریکا، طبق بند ۴ اصلاحیه اول، و صورتحساب دیگری به مبلغ ۶۲،۳۷۳ دلار آمریکا، طبق بند ۶ بابت پیش پرداختهای اضافه کاری، تسلیم داشت. نیروی دریائی صورتحساب اول را پرداخت کرد ولی صورتحساب دوم را نپرداخت.

۲ - اظهارات طرفین

خواهان جنرال داینای میکس مدعی است که نیروی دریائی قرارداد آرت میز را با عدم پرداخت صورتحسابهای خواهان بابت هزینه های متحمل جهت خرید بیمه و حق لزج و دلال گمرکی، نقض کرده است. خواهان همچنین به صورت تخییری، ادعا می نماید که نیروی دریائی به موجب اصل دارا شدن بلا جهت و غیرعا دلانه پرداخت این مبالغ را بر ذمه دارد. خواهان طالب خسارت به میزان ۲۵،۷۹۵/۲۲ دلار آمریکا است.

خواهان، همچنین مدعی است که نیروی دریائی قرارداد را با عدم استرداد پیش پرداختهای مربوط به اضافه کاریها، طبق بند ۴ و یا بند ۶ اصلاحیه، نقض کرده است. خواهان، علاوه بر صورت تخییری، ادعا می نماید که بر مبنای اصل (منع) انکار پس از دادن قبول (promissory estoppel) نیروی دریائی متعهد به پرداخت این هزینه ها است. خواهان مبلغ ۶۲،۳۷۳ دلار آمریکا خسارت مطالبه می کند.

خواهان برای دوره های مربوطه طالب بهره اصل مبالغ فوق بر مبنای متوسط نرخ ممتاز (نرخ حداقل) در ایالات متحده، و هزینه های داوری خویش، می باشد.

نیروی دریائی منکر آنست که طبق شرایط قرارداد آرت میز ملزم به استرداد هزینه های بیمه حمل یا حق الزحمه دلال کمرکی، به خواهانست و استدلال می کند که این هزینه ها می بایست توسط خواهان تقبل شود. علاوه بر این، نیروی دریائی اظهار می دارد که ترتیبات انجام شده توسط خواهان را تأیید نکرده و، بنا بر این ترتیبات مورد بحث، طبق ماده ۱ - ۴ اصلاحیه قرارداد، "قابل قبول برای خریدار" تلقی نشده است.

نیروی دریائی، همچنین منکر مسئولیت برای پیش پرداختی است که بابت اضافه کاری تأدیه شده، به این دلیل که این اضافه کاریها "مغایر" با قرارداد بوده است. استدلال نیروی دریائی اینست که خواهان مجاز نبوده که این پیش پرداختها را تأدیه نماید و مدیر پروژه نیروی دریائی نیز مجاز به دریافت آنها، نبوده است.

۳ - دلایل صدور حکم

ماده ۱ - ۴ قرارداد آرت میز به شرح اصلاح شده مقرر می دارد: که خواهان به حساب نیروی دریائی "حمل و نقل و بیمه تجهیزات سیستم سلاحها را به شکل قابل قبول برای خریدار، فراهم نموده و ترتیب حمل آنها را بدهد". خرید بیمه حمل توسط خواهان به وضوح در مطابقت با این الزام قراردادی بوده است. بنا بر این، فقط این سؤال پیش می آید که آیا ترتیبات مذکور طبق قرارداد "برای خریدار قابل قبول" بوده یا نه. خواهان در تلکس مورخ ۲۶ مارس ۱۹۷۵ (۶ فروردین ماه ۱۳۵۴) قصد خود را در بر خرید بیمه اعلام کرد. نیروی دریائی به این تلکس اعتراض نکرد. اجازه نهائی نیروی دریائی مبنی بر اقدام به حمل بایده عنوان قبول پیشنهاد خواهان تلقی شود. با توجه به این نتیجه گیری، نیروی دریائی بابت عدم پرداخت مخارج بیمه مسئول است.

قرارداد مقرر می نمود که نیروی دریائی این هزینه ها را "به محض دریافت صورت حساب فروتنده" بپردازد. در مورد تاریخ دقیق صورت حساب مدرکی در دست نیست. بنا بر این، دیوان نتیجه می گیرد که چون نیروی دریائی اولین بار طی نامه اوت یا سپتامبر ۱۹۷۵ خود دریافت صورت حساب را تصدیق کرده، لذا، موعد پرداخت مبلغ صورت حساب اول اکتبر ۱۹۷۵ (۹ مهر ماه ۱۳۵۴) بوده است.

در رابطه با ادعای مربوط به حق الزحمه دلال گمرکی، دیوان داوری متذکر می‌گردد که تا آنجا که سوابق امر نشان می‌دهد. تا هنگام ارسال صورت حساب مورخ ۳۰ روتیه ۱۹۷۵ (۸ مرداد ماه ۱۳۵۴) به نیروی دریائی، جنرال داینا میکس هیچگونه اشاره‌ای مبنی بر مطالبه اینگونه هزینه‌ها از نیروی دریائی به عمل نیآورده بود. دیوان داوری متقا عد نشده است که تحت اوضاع و احوال معامله مورد بحث، نیروی دریائی باید طبق عرف معمول تجاری یا اصول عام حقوق تجارت مسئول شناخته شود. لذا، با توجه به این نتیجه‌گیری، این بخش از ادعا نمی‌تواند مسموع باشد.

بر همین اساس، به نظر دیوان داوری نیروی دریائی بابت این ادعاها ۱۹,۴۷۹/۷۰ دلار آمریکا به عنوان مبلغ اصل بدهکار است.

در رابطه با ادعای مربوط به استرداد پیش پرداختهای تادیه شده توسط خواهان، مدارک حاکیست که طرفین رویه‌ای را مقرر داشته بودند که به موجب آن جنرال داینا میکس بودجه خرید داخلی مواد و مصالح و خدمات توسط نیروی دریائی را از نظر تضمین پیشرفت پروژه طبق برنامه زمانی، تامین می‌کرد.

اینکار با سه نوع مخارجی که خواهان متحمل می‌شد صورت می‌گرفت: خرید مستقیم کالاها و خدمات توسط خواهان، پیش پرداختهای که خواهان بابت خرید کالاها توسط مدیر پروژه نیروی دریائی صورت می‌دارد، و پیش پرداختهای که خواهان بابت تادیه اضافه کاریها توسط مدیر پروژه نیروی دریائی به عمل می‌آورد.

تمامی سه نوع هزینه به وسیله فرمی که توسط مدیر پروژه نیروی دریائی امضا می‌گردید، تصویب می‌شد. در فرم قید می‌شد که هدف هزینه خرید خدمات و مواد مورد لزومی است "علاوه بر خدمات و مواد مصرح در بند ۳ (ج) اصلاحیه یک، و نیز اینکه مبلغ خرج شده" به مبلغی که طبق بند ۴ تعیین خواهد شد افزوده شده و صورت حسابی جهت تسویه نهائی تسلیم خواهد گردید". کلیه فرمهای اجازه پیش پرداخت بابت اضافه کاریها، و نیز برخی از فرمهای اجازه خرید مستقیم خدمات توسط خواهان به نام مورخ ۱۱ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۱ خرداد ماه ۱۳۵۴) نیروی دریائی اشاره داشت.

حتی با وجود اینکه شرایط و مفاد فرم حاکی است که کلیه هزینه‌ها و مخارجی که در فرم مجاز دانسته شده خارج از محدوده بند ۳ (ج) و ۴ اصلاحیه اول است، با اینحال، خواهان کلیه آنها را در صورت حساب اصلی که مطابق این شرایط تسلیم نموده منعکس ساخته است. بعلاوه، نیروی دریائی پس از دریافت صورت حساب اصل حاوی هزینه‌های اضافه کاری و سایر مخارج، اعتراضی به اعتبار ادعای جنرال داینا میکس جهت استرداد (هزینه‌های) اضافه کاریها، ننموده، بلکه صرفاً "تقاضا نموده که طبق بند ۶ اصلاحیه اول صورت حسابهای جداگانه‌ای تهیه شود.

با توجه به این نحوه رفتار، نیروی دریائی اکنون نمی‌تواند به استرداد کامل پیش پرداختهای مربوط به اضافه کاریها اعتراض کند. ولزومی ندارد که دیوان تعیین کند که آیا این پیش پرداختها به درستی مشمول بند ۴ می‌شود یا بند ۶، و یا اینکه اصلاً قرارداد به طور مشخص انجام این هزینه‌ها و دریافت آنها توسط مدیر هزینه را تجویز کرده است یا خیر. نیروی دریائی با پرداخت صورت حساب برخی از مخارج، در واقع با روشهایی که به موجب آن کلیه هزینه‌ها تقبل می‌شد، موافقت کرده است. بدین طریق، نیروی دریائی هم اجازه و اختیار مدیر پروژه خود در صدور دستور هزینه‌ها، و هم اجازه و اختیار خواهان در انجام این هزینه‌ها را، تصدیق یا تصویب کرده است. خواهان این نحوه رفتار را تغییر شرایط قرارداد تلقی کنیم، و خواه در حکم موافقت نامه‌ای جدید، به هر صورت، نیروی دریائی متعهد بوده است که کلیه هزینه‌های متحمل خواهان را مسترد کند. این پرداخت با تسلیم صورت حساب مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۷۶ (۲۸ مهر ماه ۱۳۵۵) واجب الادا گردید.

علیهذا، تصمیم دیوان داوری اینست که خواهان اکنون استحقاق دریافت خسارات مدعی به اراکه اصل مبلغ آن ۶۲،۳۷۳ دلار آمریکا است، دارد.

دیوان داوری، همچنین نظری می‌دهد که خواهان استحقاق دریافت بهره به نرخ عادلانه ۱۰ درصد در سال را نسبت به دو مبلغ اصلی که در بالا مورد حکم قرار گرفت، از تاریخ سررسید هر یک از آنها، دارد.

چهارم - ادعای ناشی از قرارداد تسهیلات اردنانس

۱ - شرح ماوقع

قرارداد تسهیلات اردنانس توسط خواهان، جنرال داینا میکس و دولت ایران از طریق معاونت تسلیحاتی وزارت جنگ، در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۶ (۲۲ مهرماه ۱۳۵۵) منعقد گردید. منظور از قرارداد عبارت بود از ارائه خدمات مهندسی جهت کمک به نیروی دریائی "در توسعه و بهبود تسهیلات اردنانس آن". پیوست الف قرارداد حاوی شرح کارهای بود که می‌بایست انجام می‌شد و پیوست ب حاوی تعاریف و اژه‌ها و اصطلاحات به کار برده شده در پیوست الف بود.

طبق قرارداد، خواهان موافقت کرد که گزارشی شامل برنامه توسعه تسهیلات اردنانس، ظرف دوازده ماه از تاریخ شروع قرارداد، ارائه نماید. نیروی دریائی، به نوبه خود موافقت کرد که مبلغی ثابت برای هر نفر - ماهی که خواهان صرف تهیه گزارش کنند تا تعداد معین نفر - ماه، کلاً "به قیمت تخمینی ۱،۹۸۹،۱۴۰ دلار آمریکا بابت قرارداد، بپردازد. قرار بود هر ماه خواهان صورت حسابی بابت نفر - ماههای مصروفه در ماه قبل تسلیم نماید و نیروی دریائی هم می‌بایست هر ماه مبلغ صورت حسابهای تصویب شده را، بپردازد.

ماده ۷ - ۳ قرارداد، روش اداری تصویب گزارش را به شرح زیر مقرر می‌داشت:

[نیروی دریائی] ظرف ۶۰ روز پس از دریافت گزارش آنرا تصویب یا رد خواهد کرد. هرگونه تغییر یا افزایشی در سند منوط به پرداخت اضافی جهت کار اضافی است، مشروط بر آنکه تعداد نفر - ماههای مقرر در مرحله کنونی قرارداد تماماً " استفاده شده باشد.

نیروی دریائی طی نامه مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۸ آبانماه ۱۳۵۶) اعلام داشت که گزارش مقدماتی تسلیمی جنرال داینا میکس رضایت بخش نیست. نیروی دریائی خاطر نشان ساخت که در ملاقاتهای متعدد نیروی دریائی و پرسنل جنرال داینا میکس در پروژه این توافق حاصل شده بود که کوششهای کارکنان پروژه در جهت تهیه گزارش نهائی هدایت

شود و اینکه جنرال داینا میکس می‌بایست ظرف سی روز خلاصه‌ای از مندرجات مورد توافق آن (گزارش) را تسلیم نماید.

خواهان، در پاسخ، نامه‌ای در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۸ آذرماه ۱۳۵۶) به نیروی دریایی ارسال داشته و ضمن آن مواضع مربوط طرفین را مرور و ضمیمه‌ای تحت عنوان "پیوست (۱)"، "خلاصه جلسات منعقد در تهران" در آن درج کرد. سند مذکور حاوی شرح مندرجات هریک از مجلداتی بود که می‌بایست در گزارش نهائی درج گردد و نیز از قلام ویژه‌ای که قرار بود در هر مجلد آورده شود.

در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۸ (۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۶) طرفین اصلاحیه‌های بر قرارداد امضاء کرده، و ضمن آن تعداد نفر - ماههای مندرج در قرارداد را افزایش داده و مهلت تسلیم (گزارش) را تا ژوئن ۱۹۷۸ تمدید کردند. اصلاحیه مذکور، همچنین در بندی (J) چنین مقرر می‌داشت:

فروشنده بر نامه نهائی توسعه تسهیلات اردنانس را بر طبق پیوست (۱) نامه شماره ۸۰۵۸ - ۱۱ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۷ فروشنده، تحت عنوان "خلاصه جلسات منعقد در ایران"، تهیه خواهد کرد.

خواهان، در سراسر جریان کار، صورت حسابهای ماهانه‌ای جمعا "به مبلغ ۱۰,۷۶۵,۴۸۴/۴۰ دلار آمریکا، از جمله صورت حساب پیش پرداخت ۱۵ درصد قیمت تخمینی اولیه قرارداد، معادل ۲۹۸,۳۷۱ دلار آمریکا را، به نیروی دریایی تسلیم و نیروی دریایی نیز کلیه این مبالغ را تأدیه نمود.

خواهان اظهار می‌دارد که در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ (۹ تیرماه ۱۳۵۷) گزارش نهائی را به انضمام بر نامه تسهیلات، در چهارده مجلد تسلیم کرده است. خواهان صورت حسابی نهائی به تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ (۶ مردادماه ۱۳۵۷) به مبلغ ۱۸۰,۵۹۶/۹۱ دلار آمریکا، بابت کار انجام شده در ماههای مه و ژوئن ۱۹۷۸، ارائه نمود.

نیروی دریایی طی نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) که در ۹ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۸ شهریور ۱۳۵۷) به طور دستی به دفتر جنرال داینا میکس در تهران تحویل داده شد، اظهار داشت که به علت "عدم دریافت برخی قلام و وجود برخی "نواقص" نمی‌تواند گزارش نهائی جنرال داینا میکس

در مورد برنامه توسعه تسهیلات اردنانس برای نیروی دریائی شاهنشاهی را ، بپذیرد".
اقدام ظاهراً " دریافت نشده شامل برخی روشهای استاندارد کاراندازی، نیازمندیهای
مربوط به این روشها ، وسایل کمک آموزشی، برنامه های درسی برای آموزش های
اردنانس و کتابچه های راهنما برای مربیان ، می شد. کلیه نواقص ادعائی به برنامه
حفاظتی گزارش مربوط می شد که شامل عدم اشاره به پاره ای انتشارات نامبرده شده در
فهرست منابع ضمیمه ، عدم ارائه فیلم موسوم به " اسکیمو ۲ " ، عدم اصلاح
دستورالعمل ویژه نیروی دریائی راجع به حمل تجهیزات وعدم " توضیح بیشتر"
پاره ای تجهیزات جا بجا کردن، می گردید. در پایان نامه ذکر شده بود که نیروی دریائی
پس از اصلاح موارد یاد شده در بالا " راجع به گزارش نهائی اظهار نظر خواهد کرد".

خواهان، طی نامه مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ (۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۷) پاسخ داد که
قرارداد به طور صریح جنرال داینا میکس را ملزم به تضمین گزارش ننموده ، زیرا حاوی
" مشخصات دقیقی" که طبق آن بتوان مندرجات یا کامل بودن آنرا سنجید ، نمی باشد.
خواهان چنین استدلال می کرد که وی موافقت کرده است نفر - ماههای لازم جهت پشتیبانی
در یک پروژه همکاری را ارائه نماید و چنانچه گزارش احتیاج به اصلاحات و تغییرات
داشته باشد، طبق قرارداد برای کار اضافی لازم باید حقالزحمه اضافی پرداخت شود.
بالاخره ، جنرال داینا میکس در نامه ذکر کرده بود که وی تعدادی از اقدامات را که نیروی
دریائی مدعی است دریافت نکرده ، ارائه نموده است .

از آن به بعد، کار دیگری روی پروژه صورت نگرفت و صورت حساب نهائی کماکان بلا پرداخت
مانده است .

۲ - اظهارات طرفین

خواهان مدعی است که قرارداد، قراردادی بود بر اساس دریافت حقالزحمه متناسب با
مقدار کار (level-of-effort) که تحت آن وی استحقاق دریافت حقالزحمه
بابت کلیه نفر - ماههای را که صرف تهیه گزارشش کرده ، دارد ، قطع نظر از اینکه
برنامه حاصل توسط نیروی دریائی تصویب یا پذیرفته می شد. خواهان استدلال می کند
که هر مقدار کار اضافی لازم برای انجام تغییرات در برنامه می بایست به نرخهای نفر -
ماه مقرر در قرارداد جبران شود. خواهان، همچنین اظهار می دارد که، در هر صورت ،

برنامه تسلیمی یک محصول کامل با کیفیت عالی بوده است . وی معتقد است که نیروی دریائی مسئول و متعهد صورت حساب نهائی است منهای مبلغی که با ایداز آن کسر شود، چه پیش پرداخت تادیه شده از ۱۵ درصد کل مبلغ صورت حساب بر طبق قرارداد، تجاوز کرده است . علیهذا، خواهان خساراتی به میزان ۱۴۱،۱۲۸/۲۸ دلار آمریکا، به اضافه بهره، مطالبه می کند .

نیروی دریائی منکر آنست که قرارداد، یک قرارداد ("level-of-effort") بوده و قبول ندارد که مسئول عدم پرداخت صورت حسابست ، زیرا ، به نظری، خواهان با عدم تهیه برنامه بر طبق الزامات قرارداد، قرارداد را نقض کرده است . نیروی دریائی با صلاح نواقصی را در مجلدات گزارش در رابطه با آموزش ، تسهیلات ، لجستیک ، بودجه ، حفاظت ، لرزه نگاری و زمین شناسی، بر شمرده است . نیروی دریائی، همچنین، منکر مسئولیت بابت بهره مبالغ صورت حسابست ، به دلیل اینکه ماده ۶ - ۵ قرارداد صریحا " پرداخت صورت حساب نهائی را از زیان دیرکرد مندرج در آن، مستثنی ساخته است .

۳ - دلایل صدور حکم

بر اساس شرایط و تاریخچه مذاکرات مربوط به قرارداد، دیوان داوری چنین نتیجه می گیرد که پرداخت بابت خدمات جنرال داینامیکس موکول به تصویب هریچ گزارش توسط نیروی دریائی نبوده است . لیکن، حتی با وجود این امر، واقعیت اینست که جنرال داینامیکس ، به موجب اصول عام حقوقی ملزم بوده که وظایف خود را طبق قرارداد، به طور رضایت بخش و با مراقبت و دقت لازم، انجام دهد . قصور در این امر می تواند نقض قرارداد تلقی شده و به کاهش خسارات پرداختی منجر شود .

بنا بر این، سؤال اینست که نیروی دریائی تا چه حد نقض در اجرای (قرارداد توسط) جنرال داینامیکس را، اثبات کرده است .

اقلام مذکور در نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷)، از نظر دیوان داوری مورد ادعای نیروی دریائی مبنی بر عدم مطابقت گزارش با الزامات قرارداد، نیست .

خواهان خود معترف است که در مجلد ۹ گزارش به فهرست مآخذ ضمیمه اشاره نشده و دستور العمل نیروی دریائی درباره اردنانس ، مشخصا " در رابطه با تجهیزات حمل و نقل، اصلاح

نشده است ، لیکن معتقد است که این جنبه‌ها غیر ضروری و بی اهمیت بوده است .

معهدا ، مسئله مهم اینست که نیروی دریائی نتوانسته است به هیچگونه مبنای قراردادی برای ایراداتی که در نامه مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷) ذکر کرده ، استناد کند . فقط پس از ثبت دفاعیه تکمیلی در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۸۳ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۱) بود که نیروی دریائی ادعا کرد گزارش از شرایط معینی از قرارداد منحرف شده و موارد متعددی که در نامه ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷) خود ذکر نکرده بود ، برشمرد .

موضع نیروی دریائی بر عدم درک صحیح الزامات قرارداد مبتنی است . در هر مورد که نقصی ذکر شده ، نیروی دریائی به شرایط مذکور در پیوسته‌های الف و ب قرارداد استناد کرده است . در حالیکه ، بر طبق اصلاحیه اول قرارداد ، این شرایط لغو گردیده و به جای آن قرار شده بود که بر نامه توسعه تسهیلات اردنانس بر طبق ضمیمه (۱) نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۸ آذرماه ۱۳۵۶) خواهان ، تهیه شود .

ضمیمه (۱) ، ارائه‌هیچ یک از اقلام مذکور در نامه ۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۷ شهریورماه ۱۳۵۸) نیروی دریائی ، و یا لایحه دفاعیه تکمیلی آن را ، الزامی نساخته . بعلاوه ، مدارک دال بر آنست که خواهان در واقع اکثر اقلام نامبرده شده را ارائه نموده است .

بالاخره ، خواهان سوگندنامه‌هایی از جانب دو کارشناس لجستیکی و تسلیحاتی که به عنوان مستشار نیروی دریائی در طول مدت قرارداد انجام وظیفه نموده‌اند ، ارائه کرده است . مدارک موجود حاکیست که هیچیک از این دو کارشناس هرگز ارتباطی با خواهان نداشته است . هر دو کارشناس اظهار نموده‌اند که گزارش تهیه شده توسط جنرال داینامیکس از جامعیت و کیفیتی بالابر خورده است .

نتیجه اینکه ، به نظر دیوان داوری پرونده این دعوی حاوی ادله و مدارک کافی دال بر ناقص بودن اجرای خواهان نیست . بنا بر این ، خواهان استحقاق دریافت رقم خالصی مبلغ صورتحساب نهائی طبق قرارداد تسهیلات اردنانس ، معادل ۱۴۱،۱۲۸/۲۸ دلار آمریکا را ، داراست .

نیروی دریائی به درخواست خواهان در مورد بهره‌اصل مبلغ واجب الادا اعتراض کرده است ،

به این دلیل که قرارداد دصربحا " پرداخت بهره را در صورت تا دیه دیرتر از موعد صورت حساب نهائی معافو مستثنی کرده است . ماده ۶ - ۵ قرارداد به شرح زیر مقرر داشته است :

خریدار ، در صورت تاخیر در تا دیه هریک از پرداختهای تدریجی ، غیر از پرداخت نهائی ، جریمه ای به میزان ۱/۵ درصد هر مبلغ تا دیه نشده برای هر ماه تقویمی امریکائی باید بپردازد . منظورا از تاخیر در پرداخت ، تاخیر ما زاد بر ۳۰ روز تقویمی از تاریخ دریافت (صورت حساب) توسط نیروی دریائی شاهنشاهی ، است . پرداخت جریمه از تاریخی که به یک دهم ماه نزدیکتر باشد ، محاسبه خواهد شد .

لزومی ندارد که دیوان داوری تعیین نماید ، که آیا ، طبق اظهار خواهان ، این ماده متضمن جریمه ای برای تاخیر در پرداخت ، صرف نظر از حق دریافت خسارات دیرکرد ، هست ، یا اینکه نحوه برآورد خسارات دیرکرد را مقرر می دارد . ماده یاد شده صرفا " پرداخت نهائی را از نرخ توافق شده جریمه معاف ساخته و حق دریافت بهره را کلا" نفی نمی سازد .

با توجه به این مراتب ، و با در نظر گرفتن تعریف " تاخیر در پرداخت " ، به شرح مسورد توافق در ماده ۶ - ۵ ، دیوان داوری چنین نتیجه می گیرد که خواهان استحقاق دریافت بهره اصل مبلغ واجب الادا به نرخ ۱۰ درصد در سال را ، سی روز پس از تاریخ صورت حساب نهائی ، دارد .

پنجم - ادعای بابت هزینه های اداری

خواهان جنرال داینا میکس اینترنشنال کورپوریشن ادعا می نماید که از نوامبر ۱۹۷۹ تا اواسط آوریل ۱۹۸۰ دفتری در تهران داشته با پرسنل ایرانی . از جمله وظایفی که این دفتر در طول مدت مذکور انجام داده کوشش در وصول مطالب صورت حسابهای پرداخت نشده مربوط به قرارداد آرت میز و قرارداد تسهیلات ازدنانش بوده است . خواهان مدعی است که حدود ۲۰ درصد هزینه های نگهداری این دفتر قابل انتساب به اقدامات وصول بوده و بابت هزینه های متحمل شده ، ۴۵،۷۸۴ دلار امریکا مطالبه می نماید .

نیروی دریائی منکر هرگونه مسئولیتی بابت این هزینه ها است .

گرچه به وضوح رابطه‌ای بین عدم پرداخت صورتحسابهای تسلیمی جنرال داینا میکس توسط نیروی دریائی، اقدامات وصول توسط جنرال داینا میکس اینترنشنال وجود دارد، با اینحال، این رابطه منشأ مسئولیت و تعهد نیست. دیوان داوری، در پرونده دیگری که نزد آن مطرح بود، نظرداد که این قبیل هزینه‌ها، به عنوان خسارات تبعی، قابل جبران نیست. وودوارد - کلاید کانسالتنتس و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳ - ۶۷ - ۷۳. در این پرونده خواهانی که هزینه‌های وصول را مطالبه می‌کرد، طرف قراردادی بود که نقض گردیده بود. در پرونده حاضر، گرچه خواهان ها به هم مرتبط اند، با اینحال جنرال داینا میکس اینترنشنال طرف هیچکدام از قراردادهای نقض شده نبوده است. رابطه بین زیان متحمل و نقض قرارداد در اوضاع و احوال پرونده حاضر حتی ضعیف تر می‌نماید. علیهذا، دیوان داوری عقیده دارد که خواندگان مسئول و متعهد هزینه‌های اداری خواهان نبوده و ادعا بدین وسیله رد می‌شود.

ششم - ادعاهای متقابل

نیروی دریائی در ادعای متقابل مورخ ۸ نوامبر ۱۹۸۲ (۱۷ آبان ماه ۱۳۶۱) خود استرداد برخی اموال را که به موجب قرارداد مورخ ۴ فوریه ۱۹۷۶ (۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۴) به امانت نزد جنرال داینا میکس سپرده شده بود، و خسارات نقض ادعائی آن قرارداد را، خواستار گردید. دیوان داوری طی دستور مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۲ (۲۹ آذر ماه ۱۳۶۱) خود نظرداد که نیروی دریائی دلایل کافی مبنی بر اینکه تاخیر در ثبت ادعای متقابل در شرایط پرونده حاضر موجه بوده، ارائه ننموده است.

نیروی دریائی، در لایحه دفاعیه تکمیلی مورخ ۱۳ مارس ۱۹۸۳ (۲۲ اسفند ماه ۱۳۶۱) خود، برای اولین بار ادعای متقابلی جهت استرداد کلیه مبالغی که وی طبق قرارداد تسهیلات اردنانس به جنرال داینا میکس پرداخته و جمعا " به ۱،۷۶۵،۴۸۴ دلار آمریکا بالغ می‌شد، مطرح ساخت. نظریه اینکه به هیچ اوضاع و احوالی که تاخیر در اقامه ادعای متقابل فوق را توجیه نماید، استناد نشده، این ادعای متقابل نیز باید به موجب بند ۳ ماده ۱۹ قواعد دیوان، مردود شناخته شود. دیوان داوری متذکر می‌گردد که به هر صورت، چون ادعای متقابل بر همان ادعاهائی استوار است که نیروی دریائی به عنوان مدافع در قبال ادعای مربوط به قرارداد تسهیلات اردنانس به عمل آورده، لذا لزوماً " از نتیجه

گیریهای دیوان در مورد مدافعات مذکور این نظر حاصل می شود که ادعای متقابل فاقد پایه و مبناست .

هفتم - هزینه های داوری

با توجه به نتیجه گیریهای بالا، دیوان داوری به موجب مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دیوان مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار آمریکا به عنوان هزینه های داوری این ادعاها، به نفع خواهان حکم می دهد.

هشتم - حکم

دیوان داوری به شرح زیر حکم صادر می کند:

ادعای جنرال داینا میکس اینترنشنال کورپوریشن، بدینوسیله رد می شود.

ادعای متقابل نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته نمی شود.

خوانندگان نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران متعهدند، و باید، مبلغ دو بیست و چهار و دو هزار و نهصد و هشتاد دلار آمریکا و نود و هشت سنت (۲۴۲،۹۸۰/۹۸ دلار آمریکا) که شامل اصل مبالغ واجب الادا بابت ادعاها و هزینه های داوری است، به خواهان جنرال داینا میکس کورپوریشن بپردازند. خوانندگان مذکور، همچنین متعهدند، و باید، بهره ساده اصل مبالغ زیر را به نرخ ده درصد (۱۰ درصد) در سال از تاریخهای مذکور در ذیل لغایت تاریخهای که کارگزارانی دستور پرداخت از محل حساب تضمینی را به بانک امین صادر کنند، بپردازند:

الف) بهره مبلغ ۱۹،۴۷۹/۷۰ دلار آمریکا از اول اکتبر ۱۹۷۵ (۹ مهر ماه ۱۳۵۴)،

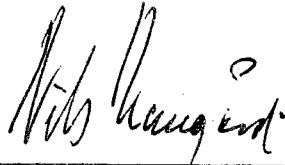
ب) بهره مبلغ ۶۲،۳۷۳ دلار آمریکا از ۲۰ اکتبر ۱۹۷۶ (۲۸ مهر ماه ۱۳۵۵)،

ج) بهره مبلغ ۱۴۱،۱۲۸/۲۸ از ۲۸ اوت ۱۹۷۸ (۶ شهریور ماه ۱۳۵۷)،

مبالغ مذکور در فوق از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹)، پرداخت خواهد شد.

بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می‌گردد.

لاهور، به تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۲۴ فروردینماه ۱۳۶۳



نیلس کنگارد

رئیس شعبه سه

بنام خدا



پرویز انصاری معین

نظر مخالف



ریچارد ام. ماسک